

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

السلام عليك يا رضى الشريعة



اللَّهُمَّ أَفْضُ صَلَاةٍ صَلَوَاتِكَ، وَسَلَامَةٍ تَسْلِيمَاتِكَ، عَلَى الْجَوْهَرَةِ الْقُدْسِيَّةِ، فِي تَعْيِينِ الْأَنْسِيَّةِ، صُورَةَ النَّفْسِ الْكَلْبِيَّةِ، جَوَادِ الْعَوَالِمِ
الْعَقْلِيَّةِ بَضْعَةَ الْحَقِيقَةِ النَّبَوِيَّةِ مَطْلَعِ الْأَنْوَارِ الْعُلُوبِيَّةِ عَيْنِ عِيُونِ الْأَسْرَارِ الْفَاعِطِيَّةِ، النَّاجِيَةِ الْمُنْجِيَةِ لِمُحِبِّهَا مِنَ النَّارِ، ثَمَرَةَ شَجَرَةِ
الْيَقِينِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ الْمَعْرُوفَةِ بِالْقَدْرِ الْمَجْهُولَةِ بِالْقَبْرِ قَرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ الزَّهْرَاءِ الْبُتُولِ الطَّاهِرَةِ الصِّدِيقَةِ
الْمَعْصُومَةِ الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ الْمَغْصُوبَةِ حَقِّهَا الْمَمْنُوعَةِ إِرْثِهَا الْمَكْسُورِ ضَلْعِهَا الْمَظْلُومِ بَعْلَهَا الْمَقْتُولِ وَكَلْبِهَا وَجَنِينِهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ الْعَزْمِ مِنْ غَضَبِ حَقِّهَا وَمِنْ آذَائِهَا وَمِنْ أَحْرَقِ بَيْتِهَا وَمِنْ كَسْرِ ضَلْعِهَا وَمِنْ قَتْلِ مَرْضِعِهَا مُحَسِّنِ وَجَنِينِهَا مُخَسِّنِ
اللَّهُمَّ الْعَزْمِ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَصَنْمِي قَرَشِ اللَّاتِ وَالْعَزْمِ وَمِنْ عَاوِنَيْهَا وَمِنْ تَابِعَيْهَا لِعْنَا وَبِيلا

چهارشنبه ۷ ربيع الأول ۱۴۳۰ سالروز وقوع فجایع هولناک: حمله و هتك حریم قدسی حضرت صدیقه کبری علیها السلام

و آتش زدن خانه وحی؛ و با ضربه لگد؛ پهلو شکستن، و با میخ درب شیرخواره ششماهه مُخَسِّنِ در
آغوش مادر کشتن، و به سینه اش دوختن، و با فشار تخته درب؛ جنین ششماهه مُخَسِّنِ در رحم کشتن را
به حضرت قدسیه وجه الله و قبله حقیقیه عباد الله مولانا صاحب الامر ارواحنا فداه تسلیت عرض می کنیم



منظره ضریح حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و درب اصلی خانه حضرت مولا و فاطمه علیها السلام که جبرئیل علیه السلام بی اذن وارد آن نمی شد، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر بار می خواستند وارد شوند دو دستشان را دو طرف درب می گذاشتند و با صدای بلند بطوریکه اهل مسجد بشنوند؛ در فضیلت اهل بیت آیت قرآن تلاوت می کردند، و سلام بر ایشان می گفتند و اگر جواب نمی شنیدند بر می گشتند، همین درب خانه شکسته و سوزانده شد، و سه شهید داد، و مسلمانان (جز چند نفر) نگاه کرده و چیزی نگفتند.
(باب فاطمه علیها السلام؛ در سمت چپ تصویر مشخص است و جلوی آن قفسه قرآن گذاشته اند تا دیده نشود)

گوهری سنگین بها از ابر گوهر بار ریخت = کز غم جانسوز او خون از در و دیوار ریخت

تا ز گلزار حقایق نو گلی بر باد رفت = یک چمن گل صرصر بیداد ز آنگلزار ریخت

شاخه طوبی مثالی را ز آسیب خسان = آفتی آمد که یکسر هم برو هم بار ریخت

غنچه نشگفته ای از لاله زار معرفت = از فراز شاخساری از جفای خار ریخت

اختر فرخ افتاد از برج شرف = کاسمان خوناب غم از دیده خونبار ریخت

طوطی ای زینخا کدان پرواز کرد و خاک غم = بر سراسر طوطیان عالم اسرار ریخت

بسملی در خون طپید از جور جبار عنید = یا که عنقاء ازل خون دل از منقار ریخت

زهره زهرا چه از آسیب پهلو در گذشت = چشمه های خون ز چشم ثابت و سیار ریخت

مهبط روح الامین تا پایمال دیو شد = شورشی سر زد که سقف گنبد دوار ریخت

از هجوم عام بر ناموسی خاص لایزال = عقل حیران سر گردان زبان لالست لال
آیت الله عظیم شیخ محمد حسین اصفهانی

خبر دادن خداوند متعال به حضرت رسول الله در معراج از فاجعه درب خانه حضرت فاطمه عليها السلام

روى جعفر بن محمد قولويه القميّ، بإسناده عن أبي عبد الله (صلوات الله عليه): قال الصادق (صلوات الله عليه):

لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)؛ قِيلَ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ مُحْتَبِرُكَ (يَحْتَبِرُكَ) فِي ثَلَاثٍ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبْرِكَ؟ قَالَ: أَسْلَمَ لِأَمْرِكَ يَا رَبِّ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الصَّبْرِ إِلَّا بِكَ، فَمَا هُنَّ؟ قِيلَ: أَوْلَهِنَّ: الْجُوعُ وَالْأَثَرَةُ عَلَى نَفْسِكَ وَعَلَى أَهْلِكَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ. قَالَ: قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَرَضِيْتُ وَسَلَّمْتُ، وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ. وَأَمَّا الثَّانِيَةُ: فَالتَّكْذِيبَ وَالخُوفَ الشَّدِيدَ، وَبِذَلِكَ مَهْجَتِكَ فِيَّ، وَمُحَارَبَةَ أَهْلِ الْكُفْرِ بِمَالِكَ وَنَفْسِكَ، وَالصَّبْرَ عَلَى مَا يَصِيبُكَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَذَى وَمِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ وَالْأَلَمِ فِي الْحَرْبِ وَالْجِرَاحِ. قَالَ: يَا رَبِّ قَبِلْتُ وَرَضِيْتُ وَسَلَّمْتُ، وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ. وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ: فَمَا يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِكَ مِنْ بَعْدِكَ مِنَ الْقَتْلِ! أَمَا أَخُوكَ فَيَلْقَى مِنْ أُمَّتِكَ الشَّتْمَ وَالتَّعْنِيفَ وَالتَّوْبِيخَ وَالحِرْمَانَ وَالجَهْدَ وَالظُّلْمَ، وَآخِرَ ذَلِكَ الْقَتْلَ. فَقَالَ: يَا رَبِّ! سَلَّمْتُ وَقَبِلْتُ، وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ. قَالَ: وَأَمَّا ابْنَتُكَ؛ فَتُظَلَّمُ وَتُحْرَمُ، وَيُؤْخَذُ حَقُّهَا غَضَبًا، الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا، وَتُضْرَبُ وَهِيَ حَامِلٌ، وَيُدْخَلُ عَلَى حَرِيمِهَا وَمَنْزِلِهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ، ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانًا وَذُلًّا، ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعًا، وَتُطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ، وَتَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ.

كامل الزيارات ٣٢٣، بحار الأنوار ٢٨: ٦١-٦٢/٢٤٦، عوالم العلوم للبحراني ٩٨: ١١.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأَمِينِ
وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عِزَّةَ الْبَيْتِ الطَّيِّبِ الْأَبِينِ



جناب جعفر بن محمد قولویه قمی از حضرت امام صادق صلوات الله علیه روایت می کند:
وقتی پیغمبر صلوات الله علیه را به معراج بردند، به ایشان گفته شد: خداوند تو را در سه چیز امتحان می فرماید تا صبر تو را ببیند.
عرض کرد: پروردگارا! در مقابل خواسته ی تو تسلیمم؛ البته توان و نیرویی بر تحمل آن جز کمک خودت ندارم. **اما آنها چیست؟ بیان شد:**

اول آنها: گرسنگی و برتری نیازمندان بر خود و خانواده ات است.
رسول خدا عرض کرد: پروردگارا! قبول کردم و راضی شدم و تسلیم توام؛ و صبر و توفیق، در این امر را از تو می خواهم.

اما دوم آنها: تکذیب و تهدید جدی بر جان و بخشش آنچه داری برای من، و جنگ با مال و جان و کفر؛ و صبر بر ظلمهایی که از ناحیه ی آنها و منافقان به تو می رسد؛ و درد و جراحاتی که در جنگ برایت حاصل می شود.

اما سومی: قتل و کشتاریست که پس از تو به خاندانت می رسد!
اما برادرت - علی - از جانب امت، شهادت و تضعیف؛ تویخ و محرومیت؛ دشمنی و مخالفت می بیند. از ظلم و ستم شروع می شود و آخر هم به شهادت ختم می شود.
عرض کرد: پروردگارا! تسلیم امر توام و قبول کردم؛ و توفیق و صبر بر آن را از تو می خواهم.

اما دخترت: به او ظلم می شود؛ حقش را غصب و او را از آن محروم می کنند؛ همان حقی که تو به او دادی؛ و با اینکه حامله است کتکش می زند؛ و بدون اجازه داخل منزلش می شوند؛ و اهمیتی به او نمی دهند و او را خوار نمایند؛ با این همه، مانعی در مقابل جنایات خود نمی بینند؛ آنگاه به او و بچه ای که در شکم داشت صدمه می زند و فرزندش را می کشند و خودش هم از آن ضربات شهید می شود.

اعمال شایسته این هنگام

- 1- سعی در معرفت بیشتر حضرتش.
- 2- مطالعه و تلاوت کلام خازنان وحی، درباره حضرتش.
- 3- برگزاری مجلس سوگواره و تعزیت و معرفت و مذاکره و مصائب آن حضرت و آنچه در کلام شریف درباره شهادت و فضائل و مناقب و آیات الهی حضرتش آمده؛ و برائت از اصداد و غاصبان و ظالمان و قاتلان.
- 4- زیارت حضرت و والدین و فرزندانشان و عرض تسلیت، از نزدیک (در مشهد فاطمی) و از دور در امام بارگاه و بالای بلندی و منزل خود.
- 5- انجام عبادات از نماز و تلاوت و اذکار؛ و همچنین اطعام عزاداران و زائران و اهداء ثواب به حضرتش.

تا در بیت الحرام از آتش بیگانه سوخت = کعبه ویران شد حرم از سوز صاحبخانه سوخت
شمع بزم آفرینش با هزاران اشک و آه = شد چنان کز دود آهش سپینه کاشانه سوخت
آتشی در بیت معمور ولایت شعله زد = تا ابد زان شعله هر معمور هر ویرانه سوخت
آه از آن پیمان شکن کز کینه خم غدیر = آتشی افروخت تا هم خم و هم پیمانه سوخت
لیلی حسن قدم چون سوخت از سر تا قدم = همچو مجنون عقل رهبر را دل دیوانه سوخت
گلشن فرخ فر توحید آن دم شد تباہ = کز سموم شرک آن شاخ گل فرزانه سوخت
گنج علم و معرفت شد طمعه افعی صفت = تا که از بیداد دونان گوهر یکدانه سوخت
حاصل باغ نبوت رفت بر باد فنا = خرمنی در آرزوی خام آب و دانه سوخت
کرکس دون پنجه زد بر روی طاوس ازل = عالمی از حسرت آن جلوه مستانه سوخت
آتشی آتش پرستی در جهان افروخته = خرمن اسلام و دین را تا قیامت سوخته
آیت الله عظیم شیخ محمد حسین اصفهانی

والحمد لله رب العالمین